

نقش قره‌باغیها در سیاست و حکومت دوره قاجار

پرویز زارع شاهمرسی

سلسله قاجاریه، از نظر تبار، قره‌باغی هستند. عنایت ویژه پادشاهان و دولتمردان قاجار به قره‌باغ و قره‌باغیان حاکی از این امر است. قبیله قاجار از گروه قبایل ذوالقدر است. قاجارها در دوره حکومت آق‌قویونلوها از شام به آذربایجان آمدند و در قره‌باغ ساکن شدند.^۱ آنان در ۱۴۹۱ میلادی در بردع و گنجه بودند. با گذشت زمان، طوایف «ایگیر می‌دورد» (در زبان ترکی به معنی ۲۴) و «اوتوزایکی» (در زبان ترکی به معنای ۳۲) نیز به آنان پیوستند و در قره‌باغ ساکن شدند. قاجارها در برپایی حکومت صفوی نقش مهمی داشتند.^۲ آنان، با تلاش فراوانی که در زمان افشاریه و زندیه برای رسیدن به قدرت مبذول داشتند، سرانجام توانستند به سریر پادشاهی نزدیک شوند. در زمان حکومت قاجاریه دو دوره جنگ میان ایران و روسیه رخ داد که منجر به جدایی قفقاز از ایران و الحاق آن به روسیه شد.

در زمان حکومت قاجاریه و جنگهای ایران و روس، بسیاری از قره‌باغیان به ایران کوچ کردند و افرادی از آنان صاحب مقامات و مناصب شدند. یکی از قبایلی که در این باره می‌توان نام برد، قبیله جوانشیر است. جوانشیرها مهم‌ترین شاخه گروه «اوتوزایکی»

۱. مولانا محمدساروی در تاریخ محمدی (احسن التواریخ) می‌نویسد: «اصل این قبیله اصلیه و منشأ این طایفه نبیله جلیله، که هر یک ماه آسمانی بزرگی بلکه مهر صبح روز سترگی اند، از ولایت ارم آیات شام‌اند که به تقریبات این جواهر را گنجینه گنجه آذربایجان توقف و تمکن و توطن اتفاق افتاد.» محمد فتح‌الله بن محمد تقی ساروی. تاریخ محمدی (احسن التواریخ). به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱. ص ۲۵.

۲. ناصر تکمیل همایون، «پایگیری نظام قزلباش و نقش قاجارها»، گاهنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب پنجم، زمستان ۱۳۷۲. برای آگاهی بیشتر ن. ک: محقق قزوینی، «خاستگاه تاریخی ایل قاجار، گاهنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، بهار ۱۳۶۹؛ ناصر تکمیل همایون، «ایل قاجار در اتحادیه قزلباش، گاهنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب چهارم، زمستان ۱۳۷۱.

هستند که احتمالاً به هنگام فرمانروایی تیمورلنگ در قره‌باغ ساکن شده‌اند.^۳ در زمان صفویه معمولاً برای ایل جوانشیر و اوتوزایکی یک حاکم تعیین می‌شد. شاه صفی در سال ۱۰۴۲ق خسرو سلطان (ارمنی جدیدالاسلام) را، که قبلاً به عنوان حاکم جوانشیر تعیین شده بود، به منصب امیرشکارگری گمارد و سلیمان سلطان را جانشین او کرد. شاه صفی در ۱۰۴۹ق فرمان قتل نوروز سلطان رئیس جوانشیر و اوتوزایکی را صادر کرد و ابراهیم خان ایگیرمی دورد قاجار، حاکم بردع، نیز به سفارت عثمانی فرستاده شد. در ۱۰۵۸ق بوداق سلطان حاکم جوانشیر بود.^۴ در زمان شاه عباس صفوی، آقاخان مقدم جوانشیر، مراغه را به اقطاع دریافت کرد. او در جنگهای مختلف از قبیل جنگ بغداد و قندهار رشادت فراوان از خود نشان داد و ایل مقدم مراغه را رهبری کرد.^۵ چون او درگذشت، پسرش غازی سلطان (آقاخان ثانی) جانشین او شد. علی‌خان مقدم در رکاب نادر شاه، به هندوستان رفت. در آغاز پادشاهی قاجاریه، احمدخان مقدم جوانشیر از سرداران دلاور آغامحمدخان قاجار بود. او در انتقال جنازه آغامحمدخان از قره‌باغ به تهران، از مسیر مراغه، نیز شرکت داشت. احمدخان در حدود سال ۱۲۱۴ یا ۱۲۱۵ق در قزوین، به دستور فتحعلیشاه قاجار، دختر خود را به ازدواج محمدعلی میرزا پسر شاه و حکمران قزوین درآورد. احمدخان، با سمت بیگلربیگی و فرمانده افواج مراغه، در جنگهای ایران و روس در رکاب عباس میرزا رشادت بسیار کرد و سرانجام نیز در صحنه جنگ جان باخت. پسران او، یعنی سرتیپ جعفرقلیخان و سرهنگ حسین پاشاخان، نیز افسران زبده سپاه عباس میرزا بودند. حسین پاشاخان با فوج مراغه در محاصره هرات حضور داشت و اولین فرماندهی بود که وارد هرات شد. در جنگ گنجه حسین پاشاخان کشته شد و جعفرقلیخان زخم برداشت. حسین خان مقدم جوانشیر، پسر احمدخان، از آغاز جوانی در کسوت نظام بود. در خدمت عباس میرزا، با مساعدت محمدخان امیرنظام زنگنه، مدرج ترقی را از یاوری و فرماندهی فوج مراغه تا آجودان‌باشی کل آذربایجان پیمود. او سپس آجودان‌باشی کل ارتش ایران شد. در سال ۱۲۵۴، به عنوان سفیر تام‌الاختیار و فوق‌العاده ایران، راهی اتریش، فرانسه و انگلیس شد. پس از بازگشت

۳. عباسقلی باکیخانوف. گلستان ارم. باکو، انتشارات علم، ۱۹۷۰. ص ۸۰.

۴. خواندمیر. تاریخ روضة الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء. به تصحیح و تحشیه جمشیدکیان فر. تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۰. ج ۸، ص ۴۴۴.

۵. برای آگاهی از ریشه نژادی طایفه مقدم ن.ک: خان ملک ساسانی. سیاستگران دوره قاجار. تهران، انتشارات بابک، ۱۳۳۸. ص ۱۷۱.



آغامحمدخان و فتحعلی شاه قاجار [۴۶۰۶-۱۲۰۶ع]

از اروپا، حاکم یزد شد. به موجب فرمان ربیع الاول ۱۲۶۰ق حکمرانی فارس نیز به او واگذار شد. در زمان او، حکومت فارس و یزد در هم ادغام شدند ولی او در شیراز اقامت می کرد. پس از چندی، به تهران احضار شد و، به سبب حسن خدمت، به لقب نظام الدوله مفتخر گردیده به شیراز بازگشت. میرزا حبیب قآنی شیرازی در وصف او ۲۹ قصیده و یک قطعه سروده است. از جمله قصیده‌ای با مطلع:

به گیسو روی ترک تزاری به ماهی ماند اندر شب تزاری

اسکندر خان مقدم جوانشیر، که در جنگ با ترکمنها در صحرای کوکلان به قتل رسید در استرآباد دفن شد، فرزند حسین پاشاخان و فتح الله مقدم ظفرالدوله سردار مؤید، که با تخلص ظفرعلی شعر نیز می سرود، فرزند اسکندر خان (۱۳۲۲-۱۲۲۴ خورشیدی) نیز مقاماتی داشتند. فتح الله خان فرمانده فوج سوم مراغه بود. حاجی علیخان مقدم قاتل امیرکبیر نیز القابی چون حاجب الدوله، اعتماد السلطنه و ضیاء الملک یافت و وزیر عدلیه ایران شد. پسر بزرگ او عبدالعلی خان ادیب الملک حاکم قم بود. در ۱۲۸۱ق، که حاجی

علیخان وزیر عدلیه بود، پسرش عبدالعلی خان معاون او بود. عبدالعلی خان پدر محمدباقر خان اعتمادالسلطنه و تقی خان احتساب‌الملک است. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹) پسر چهارم حاجی علیخان، نویسنده کتابهای مرآت البلدان، منتظم ناصری، خلسه یا خوابنامه یا اسرار انحطاط ایران، ذرر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان و ... است. اعقاب این خانواده بعدها نام خانوادگی مقدم و مقدم مراغه‌ای را انتخاب کردند. رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای استاندار آذربایجان شرقی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی و تیمسار مقدم آخرین رئیس ساواک از این خانواده بود. خانواده‌های مقدم ساکن زنجان نیز به این طایفه منسوب‌اند. افراد دیگری نیز از قبیله جوانشیر در ایران دوره قاجار مصدر امور بودند. کاظم خان جوانشیر در زمان فتحعلی شاه قاجار، حاکم محال دیزمار و خلخال بود. او در جمادی‌الاول ۱۲۴۳ق لقب خانی و خطاب عالیجاهی را از عباس میرزا دریافت کرد. در شوال ۱۲۴۴ نیز به فرمان عباس میرزا نشان جلادت و نشان وفا به وی اعطاء شد. لقب وی در فرمانها چنین بود: «عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجات همراه اخلاص و صداقت پناه».

او در شعبان ۱۲۴۵ به دستور محمدشاه قاجار مأموریت یافت از طرف دولت ایران، طبق قرارداد با روسیه، نسبت به دعاوی اهالی اطراف رود ارس رسیدگی نماید. در ربیع‌الاول ۱۲۵۲ق به دستور قهرمان میرزا (فرزند عباس میرزا) حاکم آذربایجان، تیول قریه پریخان مشکین شهر نیز به حسینعلی خان جوانشیر اعطاء شد.^۶ حسین پاشاخان جوانشیر امیربهدار جنگ (جد خانواده بهادری) وزیردربار مظفرالدین شاه قاجار بود. او جزو خادمان مظفرالدین شاه در زمان ولیعهدی در آذربایجان بود. به تدریج ترقی کرد و آجودان کل آذربایجان شد. پس از مرگ ناصرالدین شاه به تهران آمد و پس از حکیم‌الملک وزیردربار شد. او شاهنامه‌ای به خط عمادالکتاب و تصحیح شیخ عبدالعلی مؤید بیدگلی به طبع رساند که به شاهنامه امیربهدار معروف است. عده‌ای دیگر از جوانشیرهای قره‌باغی به خانواده خانهای قره‌باغ منسوب‌اند. چون فتحعلی شاه قصد داشت حاکم قره‌باغ را به ایران نزدیک نماید، از دختر او آغابگم جوانشیر خواستگاری کرد. خان قره‌باغ موافقت کرد و دخترش را با جهیزیه‌ای گرانسنگ به حرم شاه فرستاد. همچنین ابوالفتح بیگ پسرخان قره‌باغ نیز به عنوان گروگان به تهران اعزام شد. آغابگم

۶. فرمانها و رقمهای دوره قاجار. به کوشش رضا فراستی. تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲.

جوانشیر یا آغاباجی، پس از عزیمت به تهران، مورد توجه سفیران خارجی و مقامات دولتی بود. او زن دوازدهم فتحعلی شاه بود. پیش از او فتحعلی شاه چهار زن عقدی داشت. آغابیگم در ابتدا صیغه شد و پس از درگذشت آسیه خانم، دختر محمدخان قاجار در مازندران، به عقد دائم شاه درآمد. چون میان او و شاه مضاجعتی صورت نگرفت، با صلاحدید شاه به قم رفت و در انزوا به فعالیت ادبی پرداخت و، سرانجام، در ۱۳۱۲ق درگذشت. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می سرود.^۷ آغابیگم که به تهران آمد، بیش از ۲۰۰ نفر همراه شخصی از قرهباغ با خود آورده بود که همه افرادی متشخص و رشید بودند. یکی از آنان آغابهرام خواجه قرهباغی بود. آغابهرام در زمان فتحعلی شاه، از خواجگان معتبر و محترم شد. فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ در آغوش او، در عمارت هفت دست اصفهان، درگذشت. آغابهرام در زمان پادشاهی محمدشاه نیز اهمیت یافته ملقب به امیردیوان شد. او در زمان ناصرالدین شاه، وزیر عدلیه ایران شد. وی نخستین وزیر عدلیه ایران است. در سال ۱۲۶۵ق شورش در آذربایجان بر ضد امیرکبیر رخ داد که آغابهرام از محرکان آن بود. امیرکبیر تحقیق کرد و چون بر حقیقت ماجرا آگاه شد، دستور داد تا او را به کرمانشان تبعید کنند.

ابوالفتح بیگ جوانشیر پسر ابراهیم خلیل خان، که به عنوان گروگان در دربار تهران به سر می برد، با تخلص طوطی به دو زبان فارسی و ترکی شعر می سرود. او در ۱۲۵۵ق درگذشت.^۸ پسر او عباسقلی خان جوانشیر (والی - معتمدالدوله) از ۱۲۵۱ق به مدت یک سال حاکم کاشان شد. او از ۱۲۵۷ تا ۱۲۵۹ به جای فضلعلی خان قرهباغی حاکم کرمان شد. در ۱۲۵۹ عباسقلی خان از حکومت کرمان برکنار و فضلعلی خان قرهباغی معروف به بیگلربیگی جانشین او شد. پس از فوت محمدشاه، در فاصله ۴۵ روزه که ناصرالدین شاه از تبریز به تهران می آمد، زمام امور در دست مهدعلیا همسر محمدشاه بود. برای اینکه محصول خالصجات از بین نرود و دولت دچار مضیقه و کمبود غلات نشود، اداره امور غله به عباسقلی خان واگذار شد. او در ۱۲۶۵ حاکم اردبیل و مشکین شد و تا ۱۲۶۶ در آنجا بود. در ۱۲۷۵ در هیئت وزیران شش نفره ناصرالدین شاه، وزیر عدلیه و ملقب به

۷. برای آگاهی درباره آغابیگم ن.ک: میرهدایت حصاری، «آغابیگم جوانشیر»، «ادلیق»، تابستان ۷۲، ش ۲، ص ۱۹؛ و همچنین ن.ک: محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷. ص ۳۸.

۸. برای آگاهی درباره ابوالفتح بیگ ن.ک: عسکر زینالی آئنی. سخنوران چند زبانه آذربایجان. اردبیل، انتشارات آذر سبلان، ۱۳۷۶؛ م. کریمی. قرهباغ شاعر لر مسکنی. زنجان، موسسه فرهنگی یکتارصد، ۱۳۸۲.

معمدالدوله گردید.^۹ تا سال ۱۲۷۸ که زنده بود، این سمت را داشت. در ۱۲۷۶، با حفظ سمت، به عضویت شورای دولتی، که ناصرالدین شاه تشکیل داده بود، درآمد. پس از مرگ او، لقب و شغل وی به برادرش محمدابراهیم خان جوانشیر داده شد. محمدابراهیم خان امیر دیوان، یا وزیر دیوانخانه، مدت کمی بر سر کار بود و برکنار شد. ناصرالدین شاه او را با لقب معتمدالملکی مأمور انتظام امور دیوانخانه عدلیه نمود. از این تاریخ امیردیوانی برای او شغل و معتمدالملکی برایش لقب شد.

فضلعلی خان قره‌باغی (امیرتومان) نیز در به تخت‌نشستن محمدشاه دلاوری کرد و در ۱۲۵۱ق حاکم مازندران شد. یک سال بعد مردم ساری قیام کردند و وی از حکومت آنجا برداشته شد. او در ۱۲۵۳ حاکم اصفهان شد. در ۱۲۵۵ حاکم کرمان بود و در قضیه گردنفرازی آقاخان محلاتی، کوشش فراوان برای دفع او به خرج داد. حتی برادرش اسفندیار خان قره‌باغی در جنگ کشته شد. فضلعلی خان در ۱۲۵۷ به تهران احضار شد. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، فتنه بابیه به رهبری ملا محمدعلی زنجانی رخ داد و حکومت مرکزی نیروهایی را برای سرکوب آن به زنجان فرستاد. قاسم خان قره‌باغی برادرزاده فضلعلی خان قره‌باغی نیز از سرداران ایرانی حاضر در این جنگ بود.^{۱۰}

فضلعلی خان نوه‌ای به نام علی خان داشت که بعدها به سردار ارشد یا ارشدالدوله ملقب شد. مادر علی خان، تابنده خانم، برادرزاده حاج محمدکریم خان قاجار پیشوای فرقه شیخیه بود. علی خان در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار ملقب به ارشدالدوله شد. او از اعضای گروهی بود که مشروطه‌خواهان را محاکمه می‌کرد. محمدعلی شاه او را به خاطر «استبدادپرستی» اش، سردار ارشد لقب داد. او به همراه عین‌الدوله برای سرکوب قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان عازم شد ولی نتوانست کاری از پیش ببرد. پس از فتح تهران، همراه محمدعلی شاه به روسیه رفت. وقتی محمدعلی شاه مخلوع در ۱۳۲۹ق برای بازپسگیری سلطنت به ایران حمله کرد، سردار ارشد نیز با او بود. در نتیجه، سردار زخمی و اسیر گردید و در ۱۲ رمضان ۱۳۲۹ق تیرباران شد.

احترامی که فتحعلی شاه برای آغاببیگم جوانشیر قائل بود، باعث شد خواهرزاده او ماهچه بیگم آغا، دختر حسینقلی خان دنبلی، را برای پسرش محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه گرفت که امیر تیمور میرزا حاصل این ازدواج بود. لازم است یادآوری شود

۹. رضا شعبانی. هزار فامیل. تهران، انتشارات بوعلی، ۱۳۷۰. ص ۹۵.

۱۰. اعتضادالسلطنه. فتنه باب. با توضیحات عبدالحسین نوایی. تهران، انتشارات بابک، ۱۳۳۳. ص ۶۶.



[۴۵۹۵-۴ع]

که احمدخان دنبلی حاکم قدرتمند خوی در جهت نزدیکی به ابراهیم خلیل خان جوانشیر، دختر او را برای پسرش حسینقلی خان دنبلی گرفته بود که محمدصادق خان دنبلی از این بانو متولد شد. محمدصادق خان از ۱۲۱۲ به مدت دو سال حاکم خوی بود. سپس به تهران احضار و وارد دربار فتحعلی شاه شد. او از طبقه اعیان و از رجال محترم بود. پس از مرگ محمدحسین خان مروی در ۱۲۳۴، در مراسم سلام مخاطب پادشاه بود. او در سال ۱۲۸۶ درگذشت.^{۱۱} در زمان حکمرانی احمدخان دنبلی و پسرش حسینقلی خان بر خوی بسیاری از جوانشیرها به خوی کوچ کردند. در هفتم ربیع الثانی

۱۱. محمدامین ریاحی. تاریخ خوی. تهران، نشر طرح نو، ۱۳۷۰. ص ۱۷۵.

۱۳۱۰ حسام‌الدوله محمدقلی خان جوانشیر امیر تومان پسر ابوالفتح بیگ به حکومت خوی رسید. او قبلاً در ۱۳۰۳ حاکم مراغه و در ۱۳۰۶ حاکم ارومیه بود. حسام‌الدوله یک سال و چهارماه حاکم خوی بود و در شوال ۱۳۱۱ عازم ارومیه شد. جوانشیرها همچنان در خوی ساکن بودند. در اوایل شعبان ۱۳۴۶ اق امیر امجد حاکم خوی استعفا کرد. رجال خوی حسنعلی خان میرپنجه آغاسی را برای خوی برگزیدند. در سندی که بزرگان خوی در این‌باره امضا کردند، نام اسماعیل خان جوانشیر نیز به چشم می‌خورد.^{۱۲}

یک طایفه دیگر قره‌باغی که مناصب مهمی داشتند، خاندان زیاد اوغلوی قاجار بودند. افراد معتبری از این خاندان از زمان شاه طهماسب صفوی در قره‌باغ بیگلربیگی داشتند و مصدر امور فراوانی، به ویژه در جنگهای ایران و عثمانی، بودند. آنان پس از تأسیس خان‌نشین قره‌باغ، به توسط جوانشیرها، حاکم گنجه شدند. آخرین حاکم گنجه از این خاندان، جوادخان زیاداوغلوی قاجار بود که در جنگ با ژنرال سیسیانوف در سوم ژانویه ۱۸۰۴ میلادی کشته شد و گنجه به تصرف روسیه درآمد.^{۱۳} ابوالفتح خان نوه جوادخان پسرانی به نامهای عادل خان و اسماعیل خان داشت که نام خانوادگی زیادخانوف را برگزیده بودند. مادر آنها آذر همایون دختر بهمن میرزای قاجار برادر محمدشاه قاجار بود.^{۱۴}

۱۲. مهدی آقاسی. تاریخ خوی. تبریز، انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۰. ص ۴۰۶؛ ژنرال محمود پناهیان از نوادگان پناه علیخان جوانشیر، از سران نظامی جمهوری خودمختار آذربایجان در سال ۱۳۲۴ خورشیدی بود. پناهیان پس از فرار به شوروی، در دهه ۱۳۵۰ شمسی در یک مأموریت، از باکو به بغداد اعزام شد و در آنجا، ضمن همکاری با رژیم بعث عراق، به تأسیس یک گروه سیاسی به نام «جبهه ملی خلقهای ایران» دست زد و شعبه‌هایی از آن به تبلیغ قوم‌گرایی در آذربایجان، کردستان، بلوچستان و خوزستان ایران پرداخت. پس از توافق ۱۹۷۵ الجزیره و پایان یافتن اختلافات ایران و عراق، محمود پناهیان و گروه اعزامی، مجدداً به باکو بازگشتند.

۱۳. برای آگاهی درباره جوادخان ن. ک: ژان یونیر. دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه تزاری. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران، نشر زرین، ۱۳۶۱؛ سخاوت عزتی، «روایتی منظم و مستند از نبرد گنجه به زبان آذربایجانی»، مجله وطن (چاپ تبریز) ش ۱، ۱۳۸۲.

۱۴. پس از مرگ عباس میرزا، به دستور فتحعلی‌شاه حکومت آذربایجان به قهرمان میرزا پسر هشتم عباس میرزا واگذار شد. قهرمان میرزا در ۱۲۵۵ق درگذشت و مقام او به فرمان محمدشاه قاجار به برادرش بهمن میرزا پسر چهارم عباس میرزا رسید. بهمن میرزا تا ۱۲۶۳ در این مقام بود. هنگامی که محمدشاه بیمار شد. بهمن میرزا با تنی چند از درباریان به اندیشه سلطنت افتاد؛ ولی، با هوشیاری حاج میرزا آغاسی، اقدامات آنها

اسماعیل خان زیادخانوف از طرف مسلمانان قفقاز به عنوان نماینده مجلس روسیه انتخاب شد. او پس از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸، در آوریل ۱۹۱۹ به عنوان نماینده سیاسی جمهوری آذربایجان وارد تهران شد. در ژوئیه ۱۹۱۹ برادرش عادل خان به سمت نماینده جمهوری آذربایجان در ایران منصوب شد. عادل خان در باکو با ریحانه خانم دختر ژنرال حسن آقا باکیخانوف، فرزند عباسقلی بیگ باکیخانوف (نویسنده کتاب گلستان ارم) که از جانب مادر با بهمن میرزای قاجار خویشی داشت، ازدواج کرد. اسماعیل خان در سال ۱۹۲۰ به دست بلشویکها در تفلیس تیرباران شد و عادل خان پس از سقوط جمهوری آذربایجان در ایران ماند و به کار دولتی مشغول شد.^{۱۵} پس از پایان جنگ ایران و روس، چند تن از زیاد اوغلوها به خوی کوچ کردند. گویا سرلشکر محمدصادق کویال از بازماندگان آنهاست.

علاوه بر این، طوایفی از ایلات قره‌باغ نیر به قره‌داغ ایران کوچ کرده در آنجا ساکن شدند. طایفه گنجه‌لو، که اکنون جزو ایل حاجی علیلو هستند، در کنار ارس و محال گرمارود استقرار دارند. از بزرگان آنها می‌توان شیخ زین‌العابدین، ملاعلی معروف به حاجی آخوند (پدر مرحوم حاج سیف و جد آقای بیت‌الله گنججی) را نام برد. طایفه دیگر، قره‌باغلوها هستند که در سالهای ۳۰-۱۸۲۹م به قره‌داغ کوچ کردند. آنان از ایل کرد محمودلو هستند. حسینخان پسر حاج امامقلی با عده‌ای از سواران و رزمندگان طایفه قره‌باغلو در حکومت قاجار خدمت می‌کردند: برادر بزرگ او محمد، از طرف ولیعهد فرمان سلطانی یافت. حسینخان و محمدسلطان با سردار ارشد همکاری می‌کردند و در جنگ قوای دولتی به فرماندهی امیرارشد با اسماعیل سیمیتقو طایفه قره‌باغلو به فرماندهی محمدسلطان حضور داشتند. محمدسلطان رئیس ایل اینانلو بود و

→ بی‌اثر شد. بهمن میرزا خود را به تهران رساند و از شاه امان خواست. اما چون از امان گرفتن خود اطمینان نداشت، به سفارت روسیه پناهنده شد. وزیرمختار روسیه میان او و محمدشاه میانجی شد و مقرر گردید که شاهزاده بهمن میرزا و افراد و خانواده‌اش از راه‌گیلان به قفقاز راهی شوند. بهمن میرزا و افراد و خانواده‌اش از راه‌گیلان به قفقاز راهی شوند. بهمن میرزا پس از رسیدن به قفقاز سه سال در تفلیس بسر برد و در سال ۱۲۶۶ شهر شوهای قره‌باغ را برای زندگی برگزید. او به تابعیت روسیه درآمد و حقوقی نیز از دولت پترزبورگ دریافت می‌کرد. اولاد و احفادش نیز در شمار سپاهیان روس درآمدند. بهمن میرزا در ۱۳۰۱ق در ۷۶ سالگی در شوها درگذشت. کتابی از او با نام شکر نامه شاهنشاهی یا تاریخ ششصد ساله قفقاز باقی است. ن. ک. مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران. تهران، نشر زوار. ۱۳۴۷. ج ۱، ص ۱۹۸.

۱۵. عادل خان زیادخانوف. طبران قلم: رساله‌ای از نخستین نماینده جمهوری آذربایجان قفقاز در ایران. تهران، نشر وزارت خارجه، ۱۳۸۱.

حسینخان در روستای قره‌بابا، مرکز دهستان اوجان شرقی بخش تیکمه‌داش شهرستان بستان‌آباد، مأمور رسیدگی به امور روستاییان بود. محمدسلطان با دختر قهرمان خان شوهر عمه‌اش ازدواج کرد. قهرمان‌خان نیز داماد حاج قربانعلی قره‌باغی و پسر محمدبافر بیگ معروف به تاجر قره‌باغی بود. محمدباقر بیگ دو پسر به نامهای قهرمان‌خان و رستم‌خان داشت که رستم‌خان با درجه سرتیپی در زمان وزارت جنگ امیربهدار، در حکومت قاجار خدمت می‌کرد. طایفه قره‌باغلو اکنون ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانوار هستند که در مناطق گرمادوز، اوزومدل، دیزمار، تبریز، سلماس و روسیه زندگی می‌کنند.^{۱۶}

طایفه کردزبان پسیان از تیره کردهای سلیمانی ساکن قره‌باغ بودند که در زمان جنگهای ایران و روسیه به ایران کوچ کردند. از این طایفه کلنل محمدتقی‌خان پسیان (۱۳۰۰-۱۲۷۰ خورشیدی) فرمانده ژاندارمری خراسان را می‌توان نام برد.^{۱۷} عده‌ای از مهاجران قره‌باغی در محله قره‌باغلیار واقع در خیابان منصور و محله قره‌باغلیار در ابتدای خیابان ۱۷ شهریور قدیم و جنوب محله بارون آواک تبریز ساکن شدند. ارتشبد عباس قره‌باغی (۱۳۷۹-۱۲۹۷ خورشیدی) آخرین رئیس ستاد ارتش محمدرضا شاه پهلوی در تبریز متولد شد. از آثار فرهنگی شهر اردبیل نیز می‌توان به خانه هاشمی (یا خانه خلیل‌زاده) واقع در روبه‌روی مسجد منصوریه اشاره کرد که به توسط خانواده هاشمی (که به سبب مهاجرت از قره‌باغ به اردبیل مشهور به قره‌باغی بودند) در سال ۱۳۱۱ هـ.ق ساخته شده است.

به گفته آندرانیک هوویان، آغامحمدخان قاجار هشت خانوار از ارمنیانی را که در قره‌باغ اسیر کرده بود؛ به تهران آورده و در محله دروازه قزوین سکونت داد. آنان در آن محله، کلیسایی به نام گوورک مقدس ساختند. این کلیسا در بازارچه معیر میدان وحدت اسلامی واقع است. از ارمنیان قره‌باغی که به ایران مهاجرت کرده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: دکتر ایساهاک دردریان (۱۹۶۲-۱۸۸۴ م) رئیس کل بیمارستانهای راه‌آهن شمال ایران و دکتر مریم کارامیان - اوهانجانیان (۱۹۷۹-۱۸۹۳ م) نخستین زن دندانپزشک تبریز.^{۱۸}

۱۶. محمد حافظ‌زاده. ارسباران درگذر حماسه و تاریخ. تبریز، انتشارات مهد آزادی، ۱۳۷۶. ص ۵۵۰.

۱۷. یوسف متولی حقیقی. از تبریز تا مشهد. تهران، انتشارات بانگ قلم، ۱۳۸۰.

۱۸. دانشنامه ایرانیان ارمنی. به کوشش ژانت دیگر انوهی لازاریان. تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدنها و نشر

هم‌اکنون بازماندگان مهاجران قره‌باغی با نام خانوادگی جوانشیر، جوانشیر پناهی، پناهیان، گنجه‌ای، گنجویان، قره‌باغی، مهدی اوغلو و... در نقاط مختلف ایران و آذربایجان پراکنده‌اند.